

### تحلیل گفتمانی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرقه‌نگاری در میان مسلمانان

وحید سعیدی\*  
مصطفی پیرمیرادیان\*\*  
اصغر منتظرالفائم\*\*\*

#### چکیده

تحولات تاریخی و اندیشه‌ای که در بستر آن‌ها فرقه‌های مختلف اسلامی ایجاد شده‌اند، نقش بسیار مهمی در بازنمایی چگونگی شکل‌گیری فرقه‌های مختلف کلامی دارند. از این رو واکاوی و تحلیل آن‌ها دستاوردهای قابل توجهی به دنبال خواهد داشت و از اهمیت بسزایی در تاریخ اندیشه‌های کلامی برخوردار است. یکی از این دستاوردها، فهم پیشینه فرقه‌نگاری در میان مذاهب اسلامی است. پژوهش پیش رو درصدد است با توجه به این اهمیت با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان لاکلاو<sup>۱</sup> و موف<sup>۲</sup> صورت‌بندی و کشاکش‌های به وقوع پیوسته در جامعه اسلامی و زمینه‌های تشکیل و تطور آن را بررسی کند. در واقع مسأله اصلی این پژوهش شناسایی و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری فرقه‌نگاری در ساحت زمانی مدنظر پژوهش با تکیه بر تحلیل گفتمان لاکلاو و موف است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده این است که زنجیره‌ای از تحولات سیاسی - اجتماعی و مذهبی بر روند شکل‌گیری این سبک نگارش تأثیر گذاشته است.

#### واژگان کلیدی

فرقه‌نگاری، علم کلام، تحلیل گفتمان، لاکلاو و موف.

v.saeidi61@gmail.com  
mostafapirmoradian@yahoo.com  
montazer5337@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۳۱

1. Laclou.  
2. Mouffe.

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی.

\*\* استاد دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)

\*\* استاد دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۳

### طرح مسئله

از مهم‌ترین مسائلی که مسلمانان پس از رحلت رسول‌الله ﷺ با آن روبرو شدند، اختلاف بر سر جانشینی آن حضرت و امامت جامعه بود که به خلافت اسلامی منجر و پایه‌های شکل‌گیری گفتمان‌ها در میان مسلمانان ریخته شد. گروهی پیرو امامت علی بن ابی‌طالب علیه السلام و گروهی پیرو خلافت خلفا شدند. دومین واقعه مهم شکل گرفتن خوارج از میان سپاهیان علی علیه السلام بود که نسبت به امامت جامعه دیدگاه خاص داشتند. اختلاف این گروه‌ها در تعیین مصداق امام، خود در ایجاد اولین دسته‌بندی‌های سیاسی و تا حدی اعتقادی مؤثر بود. باگذشت زمان این دسته‌بندی‌ها گسترش بیشتری پیدا کرد و هر کدام برای تثبیت معنا حول محور دال مرکزی که در شخص خاصی مصداق پیدا کرده بود، اموری را مدنظر قرار دادند و برای ایجاد مرزبندی‌های فکری و عقیدتی و تقویت آن به گذشته تاریخی رجوع کرده و از نشانه‌ها و گزاره‌های تاریخی مدد گرفتند. بدین ترتیب دامنه اختلافات در گزارش‌های تاریخی نیز نمود یافت و در قالب آثار متعددی، روایت‌هایی متفاوت از وقایع تاریخی بازآفرینی شد.

فرآیند فتوح و آشنایی مسلمانان با جوامع و فرهنگ برون‌دینی گروه‌های دیگر افق دید تازه و متفاوتی را به روی آنها گشود. معناهای جدید حاصل برخورد با گفتمان‌های برون‌دینی در زمینه‌های فکری بر جریان‌هایی داخلی تأثیر مستقیم بر جای نهاد. جریان‌های موجود به صورت تدریجی با صورت‌بندی کلامی - اعتقادی و فقهی سعی در تثبیت معنای خود و تمایز از دیگر فرقه‌ها داشتند. تحولات در حوزه گفتمان‌ها در درون گفتمان اسلامی با ورود متون غیر اسلامی و ترجمه آنها و نیز حضور دانشمندان غیرمسلمان در مرکز خلافت عباسی گسترش یافت و موجب شد گفتمان‌ها برای تثبیت معنا میان عامه تلاش بیشتری کنند و لزوم چارچوب‌مند شدن اندیشه‌های اسلامی - که پیش از آن جرعه‌های اولیه آن زده شده بود - بیش از پیش احساس شد. همین نیاز، مقدمه تشکیل علم کلام گردید و به مرور با تقویت متکلمان از سوی جریان‌های فکری و دستگاه خلافت، کلام اسلامی رونق گرفت.

متکلمان به‌واسطه آشنایی با فنون جدل و مناظره از ساحت دین یا مذهبی خاص در برابر شبهات به خوبی دفاع می‌کردند. آنها برای رد نظرات مخالفان و اثبات عقاید خود، روش‌های گوناگونی را به کار بستند که یکی از آنها نگارش کتب ملل و نحل یا اصطلاحاً فرقه‌نگاری بود. ویژگی خاص این گونه آثار توجه به اندیشه‌های مذهبی توأم با اطلاعات تاریخی است. درواقع منابع فرقه‌نگاری که با عناوینی همچون ملل و نحل، المقالات، الفرق ... نیز نام‌گذاری می‌شدند، تلاش داشتند با رویکردی تاریخی به موضوع فرقه‌ها و گروه‌های فکری جامعه بپردازند. این منابع از جهات گوناگون حائز اهمیت و بررسی است و با مطالعه و تحلیل آنها و تأمل در سطور نانوخته که در پشت افکار نویسندگان این آثار پنهان است، می‌توان جنبه‌های مختلفی از تاریخ اجتماعی، تاریخ مذاهب، تاریخ فرهنگی و تاریخ فکر و اندیشه، تاریخ علم کلام و سیر تحول این موضوعات را بازنمایی کرد. یکی از جنبه‌های مهم بررسی این منابع، واکاوی پیشینه تشکیل و تکامل تاریخ‌نگاری کتب فرقه‌نویسی و ملل و نحل‌نگاری است که در دل خود بسیاری از موارد پیش گفته را نیز دارد. به‌همین دلیل تاریخ‌نگاری فرق - که موضوع آن گفتگو درباره نحوه پیدایش و تحولات فرق است<sup>۱</sup> - حجم بسیار بالایی از میراث مکتوب مسلمانان را به خود اختصاص داده که نشان از جایگاه و اهمیت این منابع در میان مسلمانان دارد.<sup>۲</sup> به بیانی روشن‌تر فرقه‌نگاران به طرح کلی و تبیین مسائلی مانند سیر تکامل عقاید کلامی و سیاسی، ارائه گزارش‌های متنوع تاریخی، ایجاد یک فرقه در بستر فرهنگ اسلامی و چگونگی بهره‌برداری فرقه‌ها از منابع اسلامی می‌پردازند. این علم به‌عنوان تاریخ عقاید گروه‌های اسلامی و روش‌های فکری آنها نه تنها یکی از مهم‌ترین ابزارهای کار متکلمان است، بلکه شناخت تاریخ تحولات سیاسی نیز بستگی به آگاهی از آن دارد. به علاوه وابستگی فهم حدیث و اسباب ورود و آگاهی از واسطه‌های نقل آن به چنین دانشی قابل انکار نیست.<sup>۳</sup> شناخت و تحلیل دقیق مسائل این موضوع به یقین در گرو شناخت گسترده و بنیادین منابع فرقه‌نگاری است.<sup>۴</sup>

۱. نجمی زنجانی، تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، ص ۷.
۲. دانش پژوه، کتاب‌شناسی فرق و ادیان، ص ۱۲۱ - ۹۸؛ جعفریان، «گزیده کتاب‌شناسی توصیفی فرق اسلامی»، آئینه پژوهش، ش ۱ و ۲، ۱۳۶۹.
۳. آقائوری، «درآمدی بر شناخت مشهورترین آثار ملل و نحل و ویژگی‌ها و پوش نوارها»، مجله طلوع، ش ۵، ص ۵.
۴. جعفریان، «گزیده کتاب‌شناسی توصیفی فرق اسلامی»، آئینه پژوهش، ش ۱ و ۲، ۱۳۶۹، ص ۲.

### پیشینه تحقیق

گرچه در خصوص فرقه‌های اسلامی پژوهش‌هایی صورت گرفته است، در هیچ‌کدام از آنها بررسی فرقه‌نگاری اسلامی با رویکرد تحلیل گفتمانی مطرح نظر نبوده است. یادداشت‌ها و مقالاتی نیز که در خصوص فرقه‌نگاری تدوین شده، هیچ‌کدام زمینه‌تئور افکار خوانندگان این موضوع را به نحوی که در سطور پیشین در قالب اهداف این پژوهش بیان شد، فراهم نمی‌کنند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله کتاب‌شناسی فرق و ادیان اشاره کرد که محمد تقی دانش‌پژوه در مجله فرهنگ ایران زمین در سال ۱۳۴۳ منتشر نموده است. پژوهش دیگر، مقاله‌ای با عنوان گزیده کتاب‌شناسی توصیفی فرق اسلامی است که توسط رسول جعفریان نوشته شده و در مجله آیین پژوهش، شماره ۱ خرداد و تیر، شماره ۲ مرداد و شهریور، ۱۳۶۹ منتشر شده است. همچنین در این زمینه می‌توان به کتاب فرهنگ فرق اسلامی نوشته محمد جواد مشکور اشاره کرد که در سال ۱۳۷۴ در بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی منتشر شده است. نویسنده به صورت فرهنگ‌نامه‌ای به فرقه‌ها پرداخته و در مقدمه این کتاب مباحثی در مورد تاریخ‌نگاری اجتماعی و تاریخ مذاهب ارائه کرده است. کتاب دیگری که به فرقه‌نگاری پرداخته، کتاب تاریخ‌نگاری در اسلام نوشته دکتر سید صادق سجادی و هادی عالم زاده است که انتشارات سمت در سال ۱۳۸۰ آن را منتشر کرده است. دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی در مقاله «راهنمای مطالعات فرقه‌شناسی اسلامی» که در مجله هفت آسمان سال ۱۳۸۰ شماره ۹ چاپ شده است، به‌طور مفصل با ارائه کلیاتی درباره علم فرقه‌شناسی اسلامی به معرفی آثار برجسته فرقه‌شناسی می‌پردازد. مقاله دیگر با عنوان «درآمدی بر شناخت مشهورترین آثار ملل و نحل، ویژگی‌ها و کاستی‌ها» نوشته علی آقائوری است که در مجله طلوع، شماره ۵، بهار ۱۳۸۲ منتشر شده است.

### رویکرد نظری تحقیق

#### ۱. نظریه لاکلا و موفه و مولفه‌های آن

تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آنها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد. هیچ اجماع روشنی درباره چیستی گفتمان‌ها و نحوه عملکرد آنها وجود ندارد. گفتمان‌ها دسته‌های برساخته اجتماع از جنبه‌هایی از واقعیت هستند؛ به‌گونه‌ای که مناسب منافع کنشگران خود باشند.<sup>۱</sup> در یک تعریف کلی تحلیل گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است.<sup>۲</sup> ارنستو لاکلا و شانتال موف دو فیلسوف و اندیشمند برجسته دهه‌های اخیر قلمداد می‌شوند که از رهگذر تدوین یک استراتژی برای نجات جریان چپ (در هنگامه بحران مارکسیسم کلاسیک) در پرتو مسائل پدید آمده جدید به گفتمان پرداخته‌اند. آنها نظریه گفتمان خود را بر مبنای جریان‌های نظری و فلسفی مختلف بنا نهاده و بحث خود در رابطه با گفتمان را با نقد فوکو آغاز می‌کنند. در نظر آنها گفتمان مجموعه‌ای معنادار از علائم و نشانه‌های زبانی و فرازبانی است. ایده کلی آنها این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تمام و تکمیل نمی‌شوند و معنا هرگز به صورت نهایی تثبیت نمی‌شود و این راه برای مبارزه اجتماعی دائمی در خصوص تعریف هویت و جامعه و در نتیجه پیامدهای اجتماعی باز می‌گذارد. بنا بر مطالبات و الزامات اجتماعی سیاسی جامعه و نیز کاستی‌هایی که گفتمان حاکم به آن دچار شده‌اند، نظام معنایی خود را باز ساخته و آن را به‌عنوان نظامی کارآمد و توانمند در برون رفت از مشکلات جامعه ارائه می‌دهند.<sup>۳</sup> به دیگر سخن نظریه گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد و روشی را که نظام‌های معنایی، طرز آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان در جامعه را شکل می‌دهند بررسی می‌کند.<sup>۴</sup>

لاکلا و موفه برای توصیف گفتمان از مؤلفه‌های خاصی استفاده می‌کنند.<sup>۵</sup> یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این نظریه دال

۱. ساسانی، معنا کاوی، به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی، ص ۱۱۰.

۲. یورگنسن، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ص ۱۸ - ۱۷.

۳. جهانگیری، جایگاه مفاهیم دو سو سوری - لکانی در نظریه لاکلا و موف در باب گفتمان، ص ۷۰.

۴. مقدمی، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن، ص ۹۳.

۵. سلطانی، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، ص ۱۵۶.

۶. فجزری، کاربرد تحلیل گفتمان در علوم اجتماعی، ص ۵۴.

مرکزی است که نشانه‌ای ممتاز، شخص، نماد، یا مفهومی است که گفتمان‌ها با تثبیت معنا حول این کانون شکل می‌گیرند<sup>۱</sup> و به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد.<sup>۲</sup> دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی و حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنایی خاص دلالت می‌کنند.<sup>۳</sup> مفصل‌بندی هر کرداری که میان عناصر مختلف رابطهای ایجاد می‌کند که طی آن هویت آنها تغییر و<sup>۴</sup> یک کلیت منسجم و نظام‌مند حاصل شوند می‌گویند.<sup>۵</sup> در این فرایند گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصه اجتماع را مانند قطعات به هم ریخته یک پازل به گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی اجتماعی به دست می‌دهد. اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هر چند موقت بپذیرند، در آن صورت آن دال هژمونیک می‌شود.<sup>۶</sup> مفهوم هژمونی یا استیلا حول این موضوع است که کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری تصمیم خواهد گرفت.<sup>۷</sup> تثبیت معنا همیشگی نیست و بنابراین همواره این امکان وجود دارد که معنایی تثبیت شده دچار تزلزل شود که به این حالت «بی‌قراری» می‌گویند.<sup>۸</sup> با به وجود آمدن شرایط بی‌قراری، گفتمان‌ها سعی بر این دارند که برای برون‌رفت از این وضعیت خود را توانمند نشان داده و تصویری آرمان‌گرایانه که اسطوره نامیده می‌شود به سوژه‌های خود ارائه دهند و به وسیله آن به دنبال راهی از بی‌قراری و ایجاد یک عینیت باشند.<sup>۹</sup> به این منظور آنها برای تبدیل اسطوره به یک تصویر اجتماعی از استعاره کمک می‌گیرند که با ایجاد یک فضای بازنمایی شده سوژه‌ها را به سوی آن ترغیب می‌کنند. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و غیریت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. از این‌رو گفتمان‌ها با برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سعی بر از میان بردن ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب دارند. در این راه از منطق تفاوت که به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد، استفاده می‌کنند. منطق تفاوت می‌کوشد از راه تاکید بر تفاوت‌ها و تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه جامعه، زنجیره هم ارزی را به هم بریزد. در اینجا خصومت و غیریت برجسته می‌شود. زنجیره هم ارزی بدین معناست که در فرایند مفصل‌بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب می‌شوند و در مقابل یک غیر که به نظر می‌رسد آنها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند.<sup>۱۰</sup>

## ۲. شکل‌گیری و تحول گفتمان‌ها در جامعه اسلامی

### اول. شکل‌گیری خرده گفتمان‌ها درون گفتمان اسلامی

بعد از جریان سقیفه رقابت در میان مسلمانان بر سر امامت جامعه بیشتر آشکار شد. شیعه و خوارج اولین گروه‌هایی بودند که مسئله رهبری مشروع امت اسلامی را با قرائتی خاص مطرح می‌کردند.<sup>۱۱</sup> تحولات سیاسی - اجتماعی دوران بنی‌امیه موجب شد خرده گفتمان‌های مرجئه، قدریه، اهل حدیث شکل بگیرند و عرصه‌های جدیدی برای رقابت آنها گشوده شد. رقابت‌های گفتمانی تأثیری شگرف در جامعه اسلامی به‌ویژه تاریخ‌نگاری اسلامی بر جای گذاشت؛ زیرا هر گروه برای پشتوانه اعتقادی

۱. همان، ص ۴۵؛ کسرائی، «نظریه لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱۱ و ۲۲، ص ۳۴۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۴۳.

۴. لاکلاو و موف، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، ص ۱۷۱.

۵. کسرائی، «نظریه لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱۱ و ۲۲، ص ۳۵۱ - ۳۴۷.

۶. مقدمی، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ص ۱۰۳.

۷. کسرائی، «نظریه لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱۱ و ۲۲، ص ۳۵۰.

۸. همان، ص ۳۴۶.

۹. مقدمی، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ص ۱۰۴.

۱۰. کسرائی، «نظریه لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱۱ و ۲۲، ص ۳۵۱ - ۳۴۷.

۱۱. مادلونگ، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۱۷۴.

خود به دوره صدر اسلام و زمان حیات نبی اکرم ﷺ توجه ویژه نشان داده و در این راه از جعل و ساختن روایات له یا علیه دیگری از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. همچنین تفاسیر و برداشت‌های افراد در نوشته‌هایشان جای گرفت. اگرچه پیدایش سنت‌های تاریخ‌نگاری حتی بدون حمایت خلفا فرایندی عمیقاً سیاسی بوده است.<sup>۱</sup> خلفا نیز علاقه خاصی به تاریخ و روایت‌های تاریخی داشتند و<sup>۲</sup> اما اعمال نفوذ خلفا در جهت‌گیری نوشته‌ها بی‌تأثیر نبود. در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری همگام با رشد رقابت‌های سیاسی - فکری جهان اسلام تدوین و تنظیم کتاب‌هایی در باب آرا و عقاید مذاهب شروع شد و تألیف این آثار رشدی فوق‌العاده یافت. مباحث این‌گونه کتب در آغاز بیشتر متوجه مسائل فرقه‌ای و اختلافات کلامی بود و با عناوینی چون التوحید و الامامه و ... ارائه می‌گردید. دیری نپایید که مسلمانان به نقادی آرای یکدیگر مبادرت ورزیدند. کتب بسیاری که با کلمه الرد ... آغاز می‌شد، در فهرست نام کتب علمای مسلمان از فرقه‌های مختلف جای گرفت.<sup>۳</sup>

#### دوم. ورود معانی خارجی و تاثیر آن بر فرقه‌نگاری

معانی خارجی به‌طور مستقیم به شکل‌گیری فرقه‌نگاری منجر نشدند، بلکه آنها دانه‌های زنجیره‌ای بودند که در نهایت در فرقه‌نگاری تأثیر گذاشتند. خرده گفتمان‌های که در دوران بنی‌امیه شکل گرفته بودند در تکاپو برای تثبیت دال‌های خود از معانی جدید بهره بردند که بخشی از این معانی از خارج گفتمان اسلامی وام گرفته می‌شد که ارتباط مستقیم با جریان فتوحات داشت. رکود فتوحات و اختلاط مسلمانان با مردم سرزمین‌های مفتوحه باعث به وجود آمدن مشکلات اجتماعی و دینی بین آنها شد.<sup>۴</sup> حضور باورهای فکری و به‌ویژه دینی مردم سرزمین‌های مفتوحه و رواج اندیشه‌های اسلامی در میان آنها، تلفیق و ترکیب این دو سنخ اندیشه را به همراه آورد. از این‌رو بسیاری از اندیشه‌های پیشین در اندیشه‌های اسلامی رسوخ کرد. علمای ادیان، دانشمندان و پزشکان در پراکندن بذر این اندیشه‌ها در میان مسلمانان بی‌تأثیر نبودند.<sup>۵</sup> خود مسلمانان نیز به اندیشه‌های اقوام گذشته رغبت نشان دادند و به ترجمه آنها پرداختند که این رویکرد موجب آشنایی آنها با اندیشه‌های جدید شد، همچنین به فراگیری فلسفه به‌عنوان ابزاری برای رویارویی با اندیشه‌های فلسفی غیراسلامی توجه کردند و همین مسئله در تفاسیر آنها از دین نیز تأثیر گذاشت و حتی گاه در آموزه‌های فرقه‌ها رسوخ کرد. البته در کنار این فواید این نهضت ترجمه خالی از زبان هم نبود.<sup>۶</sup> به‌عنوان مثال ترجمه کتاب‌های مانی و ابن‌دیمان و مرقیون به زبان عربی و تألیف کتاب‌هایی در تأیید این مذاهب موجب ظهور گروه‌های زندیق و رواج عقایدشان میان مردم و ضعف هژمونیک گفتمان‌های اسلامی شد.<sup>۷</sup> بنابراین اندیشمندان اسلامی در رد آنها کتاب‌هایی نوشتند.<sup>۸</sup> متون ترجمه شده علاوه بر این در سبک‌های نگارش هم تأثیر نهاد. اصطلاح *مقالات الفلاسفه* بیانگر این است که اندیشمندان مسلمان، اندیشه‌های فلسفی یونانی را نه به صورت نظامی به هم پیوسته، بلکه به شکل افکاری جدا جدا و از هم گسیخته می‌دیدند. ابوالحسن اشعری در *مقالات الاسلامیین* همین رویکرد به نگارش اندیشه‌ها را در رابطه با فرقه‌های اسلامی به‌کار گرفته است.<sup>۹</sup>

#### سوم. علم کلام و تأثیر آن بر فرقه‌نگاری

علم کلام اسلامی در پی مشکلاتی که با ترجمه آثار غیراسلامی در مسائل اعتقادی به وجود آمد و لزوم مقابله با ساختارشکنی آنها را اجتناب‌ناپذیر کرد، شکل گرفت. باورهای کلامی و بسیاری از عناصر آن ریشه در قرآن داشت، اما نظام این باورها را دانش کلام شکل داد.<sup>۱۰</sup> استفاده علم کلام از اصطلاحات و روش‌های استدلالی علم فلسفه و عدم

۱. روزنتال، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ص ۹۳.

۲. زبیر بکار، *اخبار الموقیبات*، ص ۱۲۵.

۳. ولوی، *دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی*، ص ۴۲.

۴. زین، *تاریخ الفرق الاسلامیه*، ص ۶۴.

۵. مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲ ص ۳۸.

۶. صابری، *تاریخ فرق اسلامی*، ج ۱، ص ۲۶؛ سبحانی، *بحوث فی الملل و نحل*، ص ۱۲۰.

۷. ابن‌نذیم، *الفهرست*، ص ۵۸۲ و ۶۰۲.

۸. همان؛ ابن‌فورک، *تبین کذب مفتری فیما نسب الی الامام ابوالحسن اشعری*، ص ۱۲۸.

۹. بو هلال، *اسلام اهل کلام*، ص ۷۴.

۱۰. ابن‌طیفور، *کتاب بغداد*، ص ۲۲.

تفاوت نهادن میان فلسفه و کلام از سوی محدثین در دوره‌هایی موجب شد آنها این علم را کفر و زندقه بدانند.<sup>۱</sup> حتی نقل اقوال مخالفین و جواب دادن به آن نیز از سوی محدثین جایز نبود<sup>۲</sup> و آن را حرام می‌شمردند؛<sup>۳</sup> با این وجود محدثان در مبارزه با معانی جدید ناتوان بودند و در مقابل متکلمان با به‌کار بردن روش و استدلال‌های عقلی و فلسفی به خوبی در برابر این حمله‌ها ایستادند و مقابله کردند. در دوره خلافت مأمون عباسی گروه‌های فکری، آزادی بیشتری گرفتند و به تبع آن مناظره و مجادله رواج کلی یافت و همه اصحاب فرق مذهبی اسلام برای رد و نقض عقاید مخالفین و تأیید مذهب خویش تلاش می‌کردند.<sup>۴</sup> در این دوره جمعی از متفکران مسلمان فارغ از دسته‌بندی‌ها و اختلاف سیاسی، فرقه‌ای و کلامی با هدف دفاع تطبیقی از مذهب موردنظر خود اقدام به تنظیم و تألیف کتاب‌هایی کردند که با عناوین مقالات، آراء دیانات و ملل و نحل شناخته می‌شوند.<sup>۵</sup> این نوع رویکرد به عقاید دیگر فرقه‌ها در گفته‌های ابوالحسن اشعری به خوبی نمایان است.<sup>۶</sup> در این راه متکلمان با مشکلاتی مانند: از میان رفتن منابع کلامی اولیه؛ تحریف اندیشه‌های کلامی متکلمان از سوی مخالفان و ابهام در فهم مسائل کلامی فرقه‌ها روبه‌رو بودند. برای حل این مشکل متکلمان دو سبک خلاصه نویسی و ملل و نحل‌نگاری را به‌کار گرفتند تا با بیان عقاید همه گروه‌ها یک آگاهی کلی به نسل بعد از خود ارائه دهند.<sup>۷</sup>

### ۳. آغاز تکاپو برای تثبیت معانی

دوران اولیه خلافت عباسی دوران تکوین اندیشه‌های کلامی و مکاتب فقهی بود.<sup>۸</sup> متکلمان هر فرقه برای دفاع از آرایشان در برابر معناهای مخالف به تدوین منطقی - استدلالی اصول مذهب خویش با ادبیاتی صریح و روشن روی آوردند و کم‌کم از این رهگذر فرقه‌ها چارچوب و نظم گفتمانی پیدا کردند.<sup>۹</sup> هر فرقه‌ای به فراخور ابعادش به دنبال پشتوانه‌های فکری و اندیشه‌ای مستدل برای تثبیت معنای گفتمان خود می‌گشت. همین مسئله سبب شد گفتمان علمی تازه‌ای تولید شود؛ گفتمانی که توانایی آن را داشت که بسیاری از اهل علم را قانع کند. بدین ترتیب فرقه‌ها از شکلی مشابه احزاب سیاسی که بیشتر بر سخنان بلیغ و شعاری و خشونت در مواجهه با مخالفان تکیه داشتند و همچنین مذاهب فقهی که کاملاً به نص پایبند بودند، فاصله بسیار گرفتند و کم‌کم به صورت مکاتب علمی درآمدند.<sup>۱۰</sup> با وضع اصول مذاهب توسط متکلمان، باورهای آنها در یک سیر پیوسته نظام‌مند شد و در مجادلات کلامی مورد استفاده قرار گرفت. این جریان به متکلمان کمک کرد که موارد موردنیاز خود را به مرور زمان احصاء کرده و درصدد پاسخ به آنها برآیند و در طول زمان اصول اصلی و بنیادین خود را برای مناظرات، چارچوب‌مند کنند. وضع این اصول و مکتوب شدن آنها، به متکلمان کمک کرد ایمان راستین را به پذیرش این اصول مرتبط سازند و این را نپذیرند که کسی تنها به ظاهر ادعای ایمان کند و خود را از امت اسلام بداند.<sup>۱۱</sup> اصول و مواردی که هر گروه بر آن اجماع داشته و پیروان آنها را از مخالفانشان بازدارد<sup>۱۲</sup> در این دوران موردتوجه قرار گرفت.<sup>۱۳</sup>

۱. شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۲۶.

۴. اقبال، خاندان نویختی، ص ۲۷.

۵. ولوی، دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی، ص ۴۲ - ۴۶.

۶. اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ???.

۷. بوهلال، اسلام اهل کلام، ص ۹.

۸. قادری، تحولات اندیشه سیاسی مسلمانان در دوره میانه اسلامی، ص ۷۷.

۹. بوهلال، اسلام اهل کلام، ص ۹۷.

۱۰. اقبال، خاندان نویختی، ص ۲۷.

۱۱. بوهلال، اسلام اهل کلام، ص ۸۷.

۱۲. فؤاد سید، فضل الاعتزال، ص ۳۴۶؛ عبدالجبار بن احمد، شرح اصول خمسسه، ص ۱۲۴؛ ملطی، التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع، ص ۳۰.

۱۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۲۷؛ اشعری، المقالات و الفرق، ص ۱۰۲.

#### ۴. اختلال و تضعیف هژمونی گفتمان سیاسی حاکم

گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرآیند معنابخشی ساخته می‌شود و تغییر می‌کند. تغییر در گفتمان تغییر در جهان اجتماعی را به همراه دارد و نزاع گفتمانی به تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود<sup>۱</sup> جنبه‌های ضد اسلامی زندقه و اباحی‌گری موجب به هم خوردن نظم گفتمان اسلامی و تهدید هژمونی گفتمان حاکم و واکنش در برابر آن شد. عباسیان به منظور تمرکز قدرت خواستار وحدت مذهبی بودند که در فاصله یک قرن از حکومت خود از اقبال به اهل رای در فقه و معتزله در کلام تا ادبار این گروه‌ها در نوسان بودند.<sup>۲</sup> آورده‌اند مهدی عباسی اولین کسی بود که بر ملحدان و زندیقان سخت گرفت و آنها را تحت تعقیب قرارداد و کشت.<sup>۳</sup> در این راه توجه مهدی عباسی به کتاب *بوطیقای ارسطو* و ترجمه آن به عربی قابل تأمل است.<sup>۴</sup> متکلمان و جدلیان به دستور مهدی کتاب‌ها بر رد ملحدان و کافران نوشتند و با شبه افکنی معاندان با آوردن دلیل مقابله کردند.<sup>۵</sup> جریان‌های فکری درون جامعه اسلامی نیز مورد توجه خلیفه بود و اولین کتاب فرقه‌نگاری به دستور او نوشته شد.<sup>۶</sup> مأموران حکومت همه‌جا به دنبال افراد با اندیشه‌های متفاوت بودند و در این راه افراد فراوانی متهم به زندقه و<sup>۷</sup> محکوم به اعدام شدند.<sup>۸</sup> هرچند برای اختلاف عقاید تمام عوامل و اسباب فراهم بود، سیاست و مقتضیات مملکتی نیز تأثیر فراوانی در اختلاف عقاید داشت.<sup>۹</sup> گزارش کوتاهی که از کتاب *صنوف الفرق* در دست است، نشان می‌دهد سیاست در شناخت صاحبان اندیشه‌های کلامی به‌عنوان یک فرقه اثر گذاشته و خود تأثیر بسیاری در ایجاد اختلاف‌های بعدی داشته است. منابع فرقه‌نگاری متأخر متأثر از همین رویکرد به طبقه‌بندی فرقه‌ها و نگارش اطلاعات آنها پرداخته‌اند.<sup>۱۰</sup>

در دوره هارون الرشید و خلفای بعد مجالس مناظره بسیاری میان صاحبان اندیشه شکل می‌گرفت.<sup>۱۱</sup> در دوره مأمون این امر فزونی یافت و حمایت گسترده‌تری از این مجالس به عمل آمد.<sup>۱۲</sup> در چنین بستری خلفا جهت توجیه سیاست‌ها و علما برای پشتیبانی از اجرای اندیشه‌ها و مصنویت پیروان خود، به دنبال بهره بردن از روابط متقابل بودند. حمایت خلفا و مداخله آنها در مسلط شدن گفتمان‌ها بسیار اهمیت داشت. به‌عنوان نمونه پشتیبانی خلفای چون مأمون، واثق و معتصم از اندیشه معتزله موجب قدرت‌گیری این گفتمان در جامعه شد. همچنین از زمان متوکل نهاد خلافت به حمایت از اندیشه احمد حنبل پرداخت و این چرخش به تفوق گفتمان حنبلی در جامعه منجر شد. نفوذ خاندان‌های شیعی مانند نوبختیان در دستگاه خلافت،<sup>۱۳</sup> تلاش ابوالحسن اشعری برای جلب رضایت برهاری در پذیرش اندیشه اشعری<sup>۱۴</sup> و ... در راستای جلب نظر حکومت در پشتیبانی از این اندیشه‌ها و حذف فیزیکی مخالفان آنها توسط حکومت است.

#### ۵. به هم خوردن ثبات معنایی گفتمان‌ها

در اواخر قرن سوم، شهر بغداد مرکز رقابت گروه‌های معتزله، شیعیان و حنابله بود که دوره تکوین اندیشه‌های کلامی خود را طی می‌کنند. همچنین این دوره یکی از شکوفاترین دوران فقه است؛ به‌گونه‌ای که مذاهب فقهی متنوع و متفرعی شکل

۱. حسینی‌زاده، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، ص ۱۸۲.

۲. قادری، تحولات اندیشه سیاسی مسلمانان در دوره میانه اسلامی، ص ۷۰.

۳. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۸، ص ۱۶۵.

۴. گوتاب، اندیشه یونانی فرهنگ اسلامی، ص ۱۱۴ - ۱۱۳.

۵. مسعودی، مروج الذهب ج ۲، ص ۶۹۶.

۶. طوسی، اختیار معرفه الرجال معروف به رجال کشی، ص ۵۴۲.

۷. سیوطی، تاریخ الخلفا، ص ۳۲۴.

۸. شاکر، درسه فی تطور علم التاريخ و معرفه الرجال فی الاسلام، ج ۲، ص ۲۲۷ - ۲۲۸.

۹. شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام، ص ۱۴.

۱۰. طوسی، اختیار معرفه الرجال معروف به رجال کشی، ص ۵۴۲.

۱۱. سیوطی، تاریخ الخلفا، ص ۳۳۸.

۱۲. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ص ۶۹۶؛ سیوطی، تاریخ الخلفا، ص ۳۲۴ - ۳۲۳.

۱۳. حسینیان مقدم، نقش نوبختیان در پیشبرد افکار شیعه، ص ۶۹.

۱۴. صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۲، ص ۹۱.

گرفته است که تا حدود پانصد مذهب با یکدیگر رقابت می‌کنند؛ اما در نیمه قرن چهارم تنها چند مذهب خاص باقی می‌مانند و دیگر مذاهب از چرخه رقابت خارج می‌شوند.<sup>۱</sup>

گروه‌های مختلف شیعه مانند غالیان، اسماعیلیه، زیدیه، طرفداران جعفر برادر امام حسن عسکری در مقابل امامیه شدیداً به‌دنبال تثبیت معانی و شناساندن خود به‌عنوان دال مرکزی شیعه بودند. در این زمان شیعیان امامیه با وفات امام حسن عسکری با توجه به اینکه به ظاهر فرزندی نداشتند، در شناخت جانشین ایشان دچار مشکل شدند و موج تفرقه در میان آنها رشد فزاینده‌ای گرفت. از پایان قرن دوم هجری با ظهور واقفیه و گروه‌های غالی، طرح مسئله غیبت برجسته‌تر شد و موجی از تفرقه را ایجاد کرد؛ اما در میان شیعیان امامیه، حاضر بودن امام و دسترسی به او، مانع از ایجاد تفرقه گردید.<sup>۲</sup>

در دوران امام حسن عسکری خطابه همچنان مورد توجه بودند؛ به‌گونه‌ای که محمد بن عبدالله مهران کتابی در مناقب ابو خطاب می‌نویسد که از طرف یاران امام حسن رده‌ای بر آن نوشته می‌شود.<sup>۳</sup> از طرف دیگر گزارش‌های اهل سنت از دیدگاه‌های غالیان شیعه، زمینه ساز ایجاد بحران فکری برای امامیه بود؛ که صورتی که آنها متهم به اثرپذیری از یهودیان و مسیحیان و عدم ارتباط اندیشه‌هایشان با اسلام می‌شدند. اختلافات و اشتراکات شیعیان با دیگر فرق اسلامی در موضوعات مهم مانند ظهور منجی نیز از دیگر مسائل حساس و تأثیرگذار بود.<sup>۴</sup> از دیگر مدعیان مهم و پرتکاپوی امامت و مهدویت، طرفداران محمد بن اسماعیل بودند. که در این زمان نمایندگان آن فرامطه نام داشتند که گوی سبقت را از همه برده و برای ظهور مهدی موردنظرشان به شدت تبلیغ می‌کردند.<sup>۵</sup> این نگرانی‌ها و تشتت فکری در میان شیعیان بغداد نمود بیشتری داشته، درحالی که خارج از این منطقه آثار شیعیان در این زمان بیشتر بر روی تثبیت مواضع کلامی شیعه متمرکز شده است.<sup>۶</sup>

در میان اهل سنت نیز در همین سال‌ها تحولاتی در حال انجام بود. در قرن سوم اهل سنت به معتزله به دیده نفرت و تحقیر می‌نگریستند.<sup>۷</sup> سرخوردگی از تندروی‌های معتزله گروهی از اندیشمندان سنی را به راهی میانه می‌کشاند که در آن چارچوب‌های فکری و استدلالی معتزلی با رویکرد اهل حدیث تعدیل و ترکیب شود. تقریباً هم‌زمان در سه نقطه از جهان اسلام سه نهضت فکری علیه معتزله بالا گرفت و وجه مشترک هر سه حرکت این بود که با داعیه اهل حدیث و همان روحیه تقدس‌گرایانه در دفاع از دین در مقابله با معتزله ایستادند لکن برخلاف اهل حدیث اینان سعی کردند با روش عقلی و با بحث‌ها و استدلال‌های منطقی به حمایت از معتقدات خویش برخیزند.<sup>۸</sup> هر سه جریان (اشعری، طحاوی، ماتریدی) به‌دنبال ارائه راهی میانه برخاسته از پیوند مکتب اهل حدیث و معتزله بودند.<sup>۹</sup> ابوالحسن اشعری با کناره‌گیری از معتزله، اندیشه‌ای حد وسط میان اهل حدیث و معتزله را ارائه می‌کند.<sup>۱۰</sup> اشعری نخستین متکلم سنی است که به معنای دقیق کلمه به نظریه پردازی درباره خلافت و امامت پرداخته است. او بنیان‌های کلامی برای خلافت اهل سنت فراهم کرد که استواری آن نیازمند ارائه تفسیری همسو از تاریخ بود.<sup>۱۱</sup>

#### ۶. بازتاب تضادهای کلامی در منابع فرقه‌نگاری

تنش‌های موجود در فضای سیاسی - اجتماعی بغداد در اواخر قرن سوم را می‌توان در محتوای آثار تولیدی این دوران مانند

۱. زلمی، *خاستگاههای اختلاف در فقه مذاهب*، ص ۱۳.
۲. مدرسی طباطبایی، *مکتب در فرایند تکامل*، ص ۴۹.
۳. شیبی، *الصله بین التصوف و التشیع*، ج ۱، ص ۱۵۱ - ۱۵۰.
۴. بارانی، *بررسی تاریخی تعامل فکری سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در بغداد در عصر آل بویه*، ص ۲۱۰ - ۲۰۸ به نقل از حلبی، *سیره الحلبيه فی سیره الامین و المأمون*، ج ۱، ص ۴۱۰.
۵. صابری، *تأملی در حدیث هفتاد و سه ملت*، مجله مشکوه، ص ۲۰.
۶. نجفیان، *تاریخ‌نگاری شیعیان امامی مذهب در آغاز دوره غیبت کبری*، ص ۹۴.
۷. متز، *تمدن اسلامی در قرن چهارم*، ص ۲۳۴.
۸. کاشفی، *کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع*، ص ۸۵.
۹. بارانی، *بررسی تاریخی تعامل فکری سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در بغداد در عصر آل بویه*، ص ۲۷۶.
۱۰. کاشفی، *کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع*، ص ۵۹.
۱۱. میر موسوی، *جایگاه و نقش اشعری در تأسیس کلام سیاسی اهل سنت*، ش ۶۴، ص ۷۶.



منابع متعدد حدیثی، فقهی، تاریخ‌نگاری و منابع اختصاصی کلامی پی گرفت. این منابع در کنار یکدیگر به شکل دادن واقعیت در ذهن سوژه‌ها و هژمونیک شدن گفتمان‌ها کمک می‌کردند. این منازعات نشان‌دهنده وجود تخاصم در میان آنهاست. مسئله امامت و رهبری جامعه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده منابع فرقه‌نگاری است و هرکدام از فرقه‌نگاران به دنبال ارائه مصداقی برای آن هستند. بحث‌های گفتمانی و اختلاف‌های میان فرق اسلامی تا حد زیادی درگرو نام اشخاص و فضایل و عیوب فردی آنان بود.<sup>۱</sup> بنابراین رجال و شخصیت‌های هر فرقه دال مرکزی و محور اصلی توجه می‌شدند.<sup>۲</sup> در چنین فضایی فرقه‌نگاران شیعه امام علی علیه السلام و ائمه اثنی عشر را به عنوان مصداق معرفی می‌کردند؛ اما فرقه‌نگاران غیرشیعی خلفا را جانشین‌های پیامبر می‌دانستند و با توجه به نوع اندیشه‌های خود به مفصل‌بندی دال‌ها می‌پرداختند.

اقتضانات زمانی، نوبختیان را به این سو کشاند که کمتر به نقل توجه کنند.<sup>۳</sup> آنها درصدد توسعه مفهوم امامت بودند که تأکید آن بر لغزش ناپذیری و عصمت امام بود.<sup>۴</sup> نوبختی، استناد به روایات نبوی درباره امام علی علیه السلام مواردی چون امام واجب الاطاعه، وارث علم انبیاء، پاک دامن و پاک‌زاد، پیشگام در اسلام و دانش و بخشش و پارسایی را برجسته نمود.<sup>۵</sup> همچنین به خاطر شرط فاطمی بودن امام، توجه ویژه‌ای به نسب شخصیت‌های مدعی امامت دارد. نوبختی با آغاز سخن در مورد هرکدام از امامان ارتباط آنها را با امام قبلی بیان می‌کند.<sup>۶</sup> در این رابطه اشاره می‌کند که تا زمانی که دنیا بر پا باشد این امر در میان فرزندان فاطمه خواهد بود.<sup>۷</sup> این موارد دال‌های شناوری هستند که به دال مرکزی امامت اثنی عشری مفصل‌بندی می‌شوند و با تبدیل شدن به وقته، امامت اثنی عشریه، کانون اصلی گفتمان امامیه شده و بدین وسیله مدعی دیگر گروه‌های شیعه تضعیف می‌شود. دیگر فرقه‌نگاران نیز همین رویه را پی می‌گیرند. ناشی اکبر به عنوان یک فرقه‌نگار معتزلی اندیشه خلافت مفضول را مدنظر دارد و در این راه برجسته‌سازی شخصیت ابوبکر و توجیه اقدامات او را به مدد گزارش‌های تاریخی پی می‌گیرد. او با مراجعه به روایات تاریخی به دنبال تقویت ابوبکر در برابر علی است و از عباراتی چون اسلام آوردن قبل از علی، به فضیلت ابوبکر اشاره دارد. وی در ضمن به موارد اختلافی مانند جریان رده و موضوع فدک به گونه‌ای عمل می‌کند که توجیه‌کننده اقدامات ابوبکر است.<sup>۸</sup>

فضای ضدیت و غیریت در کتاب‌های فرقه‌نگاری نمود زیادی دارد. این جریان با برجسته‌سازی معانی خودی و حاشیه‌رانی معانی گفتمان رقیب همراه است. علی‌رغم ادعای بی‌طرفی فرقه‌نگاران<sup>۹</sup> علایق فرقه‌ای و مذهبی، سیاسی، طبقاتی و اجتماعی در نگاه‌هایشان قابل مشاهده است.<sup>۱۰</sup> استفاده از عناوین گوناگون با بار معنایی خاص (مانند رافضه برای شیعیان) برای فرقه‌های مختلف، انتخاب عنوان برای کتاب‌هایشان، آوردن بعضی روایات و چشم پوشی از روایات خاص و ارائه تحلیل در خلال مباحث، بیان بعضی عقاید فرقه‌ها که بیشتر جنبه منفی دارد، نشان‌دهنده هدف و ارزش‌های ذهنی‌شان است که به شکل‌گیری سنت‌های مختلف فرقه‌نگاری انجامیده است.<sup>۱۱</sup>

قدم بعدی در این راه ارائه تفسیری از عقاید گروه‌ها به گونه‌ای است که ترسیم‌کننده حقیقت و حقانیت فرقه‌ها در نزاع‌های فرقه‌ای است؛ به گونه‌ای که در فهم و پذیرش معانی به سوژه‌ها کمک می‌کند. یکی از راه‌های که فرقه‌نگاران برای این کار مورد استفاده قرار داده‌اند توجه به حدیث افتراق و کاربرد آن در شمارش زیرشاخه‌های منشعب از فرق است. حدیث افتراق از احادیثی است که در منابعی چون *التنبيه و الرد ملطی و اصول النحل* ناشی اکبر مورد استفاده قرار گرفته و با استناد به

۱. روزنتال، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ص ۱۲۲.

۲. سلهب، *علم الکلام و التاریخ*، ص ۲۰۳.

۳. خانجانی، *شیخ مفید و تاریخ‌نگاری*، ص ۲۴.

۴. نیومن، *مدرسه قم و بغداد*، ص ۶۶.

۵. نوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۲۱، ۲۲ و ۲۳.

۶. همان، ص ۲۷ - ۲۶.

۷. همان، ص ۲۳ - ۲۲.

۸. فان اس، *مسائل الامامه و مقتضات من کتاب الاوسط فی المقالات*، ص ۱۴ - ۹.

۹. حسینی نائینی، *ترجمه کتاب الملل و نحل شهرستانی*، ص ۱۸؛ اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۱۴۴.

۱۰. حضرتی، *تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، ص ۱۴۳.

۱۱. مونتگمری وات، *فلسفه و کلام اسلامی*، ص ۷.

آن کوشیده‌اند سامانه‌ای برای دسته‌بندی‌های فرقه‌های اسلامی و شمار این فرقه‌ها و همچنین قضاوت در مورد ناجیه بودن و یا چهنمی بودن به‌دست دهند؛ اما بعضی از منابع اولیه فرقه‌نگاری توجهی به این حدیث نکرده و متن خود را براساس این حدیث شکل نداده‌اند. بی‌اطلاعی از این حدیث امری بسیار دور به نظر می‌رسد و آنها دلایل خاص خود را برای این کار داشته‌اند.<sup>۱</sup>

رویکرد دیگر فرقه‌نگاران ترسیم وضعیت فرقه‌ها در جامعه است. آنها به وسیله زنجیره هم ارزی می‌کوشند نشانه‌ها و معانی را در یک زنجیره طی فرایند مفصل‌بندی، با هم ترکیب کنند و در مقابل فرقه‌های رقیب به صورت متحد و بدون نقص ظاهر شوند. درعین حال آنها مجموعه‌های معنایی را در منطق هم ارزی به‌گونه‌ای همسو نشان می‌دهند که اختلاف‌های بین آنها چندان مهم نیست. فرقه‌نگاران برای رسیدن به مطلوب در این بحث از اصطلاحات جماعه و اهل جماعت استفاده می‌کردند و برای منطق تفاوت از حدیث تفرقه بهره می‌بردند. آنها توجه ویژه‌ای در نشان دادن تکرر در فرقه‌ها و زیرشاخه‌های آن اشاره دارند و سعی دارند تا تمایزها و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی منشعب شده از یک فرقه را نشان دهند. این اندیشه‌ها به‌گونه‌ای مطرح می‌شود که آنها را از محور اصلی دین اسلام هرچه بیشتر دور نشان دهند و در مقابل تفاوت‌های موجود در میان خودشان را پنهان کرده و این گونه وانمود می‌کنند که یکدست و بدون اختلاف هستند. نوبختی این گونه به این نکته پرداخته است:

همه این دسته‌ها که ذکر آنها گذشت اختلاف‌های بسیاری با هم دارند ... ایشان با جدایی کیش‌ها و روش‌هایی که دارند باز نام جماعت بر خویش نهاده‌اند. خواست ایشان از اطلاق این کلمه بر خود نه این است که بر دینی گردآمده باشند، بلکه از این روی است که بر ولایت هر که بر ایشان فرمانروایی کند - چه بدکار چه نیکوکار - گردن گذارند و فرمان‌برداری کنند.<sup>۲</sup>

او در مقابل با باطل دانستن مدعای جماعه بودن آنها می‌گوید: «چون عثمان کشته شد، مردم به بیعت علی رضی الله عنه درآمدند و به جماعت نامیده شدند...»<sup>۳</sup>

استیلا یکی گفتمان بیش از آنکه به منطقی بودن و درستی گزاره‌هایش وابسته باشد، به موقعیت و نسبتش با سایر گفتمان‌ها مرتبط است. استفاده از قدرت و در دسترس بودن و ظرفیت خلق معانی جدید از مواردی است که به هژمونی شدن یک گفتمان کمک می‌کند. علما و صاحبان اندیشه‌ها سعی داشته‌اند با توجیه اندیشه‌های خود نزد صاحبان قدرت نیروی کافی را در میان سوژه‌های خود ایجاد کنند که به پذیرش معانی منجر شود و در مقابل پذیرفته شدن گفتمان‌های اسلامی و نفوذ آن در میان عامه مردم می‌توانست اطاعت‌پذیری از حاکمان را تقویت کند. معرفی مصداق‌های امامت از سوی متکلمان و مفصل‌بندی دال‌ها به آن، ارتباط مستقیمی با موضوع حضور امام در آن عصر یا میزان وثاقت روایات باقی مانده از او دارد. گفتمان‌های اهل سنت نیز با مفصل‌بندی‌ای که ارائه می‌کنند، به گزینش اخبار و روایات تاریخی می‌پردازند. در این متون روایت‌های تاریخی و آیات در راستای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی معنای گفتمانی به کار می‌روند که حول محور یک شخص مفصل‌بندی می‌شوند و توانایی این را دارند که پیروان و سوژه‌های خود را از نظر معنایی اقناع کرده و از قدرت به وجود آمده در مقابله با گفتمان‌های رقیب بهره‌برداری کنند. برای این کار متکلمان از روش‌ها و شیوه‌های تاریخی بهره می‌برند.<sup>۴</sup> گزارش‌های تاریخی از جانشینی پیامبر و اتفاقات بعد از رحلت ایشان، بیان اندیشه‌ها و ضعف نگرش آنها به منظور ساختارشکنی در معانی تثبیت شده فرقه‌های دیگر است؛ به‌گونه‌ای که آن فرقه ثبات معنایی خود را در میان سوژه‌های طرفدار خود از دست بدهد. آغاز اختلاف‌ها و دسته‌بندی‌ها، زمان درگذشت شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار و به وقوع پیوستن حوادث مهم تأثیر فراوانی در تحولات فرقه‌ها داشته‌اند و به‌عنوان نقاط حساس تاریخی از سوی فرقه‌نگاران مورد توجه واقع شده است. از این‌رو در این منابع مسئله زمان، ترتیب زمانی در به وقوع پیوستن رویدادها و به وجود آمدن فرقه‌ها رعایت شده است.

۱. صابری، تاملی در حدیث هفتاد و سه ملت، ش ۷۵ - ۷۴، ص ۳۹ - ۳۷.

۲. همان ص ۲۰.

۳. نوبختی، فرقی شیعه، ص ۶.

۴. سجادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۷۱.

## نتیجه

شکل‌گیری و تحول منابع فرقه‌نگاری ارتباط مستقیمی با تحولات سیاسی، اجتماعی و مذهبی جامعه اسلامی داشته است. تحلیل شرایط جامعه و همچنین منابع فرقه‌نگاری با استفاده از مولفه‌های نظریه گفتمان لاکلا و موفه بیانگر این است که عوامل متعددی بر شکل‌گیری و تحول این روش اثر گذاشته است.

مسئله جانشینی رسول‌الله ﷺ و امامت جامعه دال مرکزی گفتمان‌های اسلامی است که تعیین مصداق آن موجب کنش‌های متقابل میان گروه‌های مختلف شده است؛ به نحوی که دامنه این مسئله به تحلیل‌ها و برداشت‌های آنها از دیگر فروع دینی و مکتوبات فرقه‌ای آنها نیز سرایت کرده است.

تحولات سیاسی - اجتماعی از یک طرف و آشنایی مسلمانان با ملل دیگر از طریق فتوحات و همزیستی از طرف دیگر و نیز ترجمه متون علمی اقوام غیرمسلمان، موجب شد معانی جدیدی وارد گفتمان اسلامی شود. این رهاورد تازه هم منشأ تحولات اندیشه‌ای شد و هم واکنش‌های اندیشمندان اسلامی را برانگیخت. که این کنش‌ها به تشکیل، تطور و در نهایت چارچوب‌مند شدن علم کلام انجامید، که هدف آن مقابله با معانی غیرخودی بود. وجود تحریفات در نقل اندیشه‌های متکلمان، همچنین نیازمندی متکلمان به آگاهی از اطلاعات قابل اطمینان دیگر فرقه‌ها برای مناظره و مجادله و حتی ردیه نوشتن، توجه به تالیف منابع فرقه‌نگاری را ضرورت بخشید. ورود معانی خارجی از طرفی استیلای هژمونیک خلفا را با موجی از اباحی‌گری و زندقه که به همراه داشت، با چالش روبه‌رو کرد و برای مقابله با آن، خلفا نیز پشتوانه متکلمان قرار گرفتند. ورود معانی جدید تنها مسئله مقابله با گفتمان‌های خارجی را با خود نیاورد، بلکه گفتمان‌های داخلی نیز با رنگ‌پذیری از این معانی دچار اختلاف‌های شدید شدند. این چندصدایی مورد نظر مهدی عباسی نبود و برای شناسایی و برخورد با مخالفان نگارش اطلاعات فرقه‌ای را مورد توجه قرار داد و اولین کتاب فرقه‌نگاری به دستور او نوشته شد که بیشتر متمرکز بر متکلمان و اندیشه‌هایشان بود. این کتاب مبنایی برای نوشتن منابع فرقه‌نگاری گردید.

بررسی منابع فرقه‌نگاری از منظر مؤلفه‌های تحلیل گفتمان بیانگر این است که فرقه‌نگاران با استفاده از گزارش‌های تاریخی به مفصل‌بندی بسیاری از معانی حول محور دال مرکزی خود که همان مصداق عینی امامت جامعه بود، پرداخته‌اند. فضای درونی این کتاب‌ها براساس غیریت‌سازی و برجسته‌سازی بنا شده است؛ به گونه‌ای که این نویسندگان اساس کار خود را بر توجیه و برجسته ساختن یک اندیشه گذاشته‌اند و همه نشانه‌ها را به دال مرکزی خود که شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار این فرقه‌ها هستند مفصل‌بندی و متصل می‌کنند. برای برجسته ساختن جایگاه این دال مرکزی از دو روش استفاده کرده‌اند: یکی اینکه با استفاده از روایات تاریخی جایگاه برجسته‌ای برای او ترسیم می‌کنند و موارد منفی زندگی او را توجیه می‌کنند. دوم اینکه سعی بر ارائه یک تصویر منفی و درجه دوم از رقیبان خود دارند.

## منابع و مآخذ

### کتاب‌ها

۱. ابن‌احمد، عبدالجبار، شرح اصول خمس، تعلیق احمد حسین هاشم، حقه و قدم له دکتور عبدالکریم عثمان، مکتبه وهبه، طبعه الثالثه، ۱۴۱۶ م.
۲. ابن‌بکار زبیده، الاخبار الموقیاتی، تحقیق سامی مکی العانی، بیروت، ناشر عام الکتب، طبعه الثانیه، ۱۴۱۶ ق.
۳. ابن‌طیفور الفضل احمد بن ابی طاهر، کتاب بغداد، محقق سید عزت عطار الحسینی، قاهره، الناشر المکتبه الخانجی، طبعه الثالثه، ۱۴۲۳ ق.
۴. ابن‌فورک، ابی القاسم بن علی بن حسن هبه‌الله، تبیین کذب مقتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الاشعری (متوفی ۵۷۱ ق) عنی بشره حسام الدین القدسی، دمشق، مطبعه التوفیق بدمشق عام ۱۳۴۷ ق.
۵. ابن‌ندیم، ابوالفرج محمد ابن ابی یعقوب اسحق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، مروی، ۱۳۶۶.
۶. ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، محقق ابراهیم رمضان، بیروت - لبنان، ناشر دارالمعرفه، طبعه الثانیه، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.
۷. اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، ترجمه دکتر محسن مویدی، تهران، امیرکبیر، ج اول، ۱۳۶۲.

۸. اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، تصحیح محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۱.
۹. اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، ترجمه یوسف فضایی، تهران، عطایی، ۱۳۷۱.
۱۰. اقبال، عباس، *خاندان نویختی*، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷.
۱۱. بارانی محمد رضا، *بررسی تاریخی تعامل فکری سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در بغداد در عصر آل بویه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۱۲. بوهلال، محمد، *اسلام اهل کلام*، ترجمه علیرضا باقر، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۴.
۱۳. حسینی نائینی سید جلال، *ترجمه کتاب الملل و نحل شهرستانی*، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، موسسه مطالعات اسماعیلی، ۱۳۹۵.
۱۴. حضرتی حسن، *تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۸۱.
۱۵. خانجانی، قاسم، *شیخ مفید و تاریخ‌نگاری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۱۶. روزنتال فرانتس، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۱۷. زلمی، مصطفی ابراهیم، *خاستگاههای اختلاف در فقه مذاهب*، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱.
۱۸. زین، محمد خلیل، *تاریخ الفرق الاسلامیه*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۵ ق.
۱۹. ساسانی، فرهاد، *معناکاوی، به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹.
۲۰. سبحانی، جعفر، *بحوث فی الملل و نحل*، قم، حوزه علمیه لجنه اداره، ۱۳۷۲.
۲۱. سجادی سید صادق، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
۲۲. سلهب حسن، *علم الکلام و التاریخ*، بیروت، مرکز الحضاره الفکر الاسلامی، ۲۰۱۱ م.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *تاریخ الخلفاء*، محقق حمدی الدمراش، ناشر مکتبه نزار مصطفی الباز، طبعه الاولى، ۱۴۲۵ ق.
۲۴. شاکر، مصطفی، *دراسة فی تطور علم التاریخ و معرفه الرجال فی الاسلام*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۴ م.
۲۵. شبلی نعمانی، محمد، *تاریخ علم کلام*، مترجم سید محمد تقی فخر گیلانی، تهران، نشر رنگین، ۱۳۲۸.
۲۶. شبلی، مصطفی کامل، *الصله بین التصوف و التشیع (العناصر الشیعیه فی التصوف)*، بیروت، دارالاندلس، چ سوم، ۱۹۸۲.
۲۷. صابری، حسین، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
۲۸. صفدی، صلاح الدین خلیل بن ابی بکر بن عبدالله، *الوافی بالوفیات*، المحقق أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ ق / ۲۰۰۰ م.
۲۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله، *غالبان کاوشی در جریان‌ها و برایندها تا پایان سده سوم*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۳۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۹۶۷ م.
۳۱. طوسی، ابی جعفر، *اختیار معرفه الرجال معروف به رجال کشی*، تحقیق میرداماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. فان اس، یوسف، *مسائل الامامه و مقتطفات من کتاب الاوسط فی المقالات لناشی الاکیر متوفی ۲۹۳*، بیروت، دار النشر فرانک اشتاینر، ۱۹۷۱ م.
۳۳. فؤاد سید، *فضل الاعتزال و طبقات المعتزله*، (ابوالقاسم بلخی، قاضی عبدالجبار، الحاکم جشمی)، مصر، دارالکتب المصریه - دارالتونسیه للنشر، بی تا.
۳۴. قجری، حسینعلی، *جواد نظری، کاربرد تحلیل گفتمان در علوم اجتماعی*، تهران، نشر جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.
۳۵. کاشفی، محمدرضا، *کلام شیعه ماهیت، مختصات و منابع*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۶. گوتاس، دیمیتری، *اندیشه یونانی فرهنگ اسلامی*، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، تهران، نشر فروزان روز، ۱۳۹۰.

۳۷. لاکلاو ارنستو و شاننال موف، *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال*، ترجمه محمد رضایی، نشر ثالث، ۱۳۹۲.
۳۸. مادلونگ، ویلفرد، *مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، ترجمه جواد قاسمی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۳۹. متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم یا رنسانس اسلامی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۴۰. مدرسی طباطبایی، حسین، *مکتب در فرایند تکامل، نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی ایالات متحده، نشر داروین، ج دوم، ۱۳۷۵.
۴۱. مسعودی، علی بن الحسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره، مطبعه السعاده، ۱۹۴۸ م.
۴۲. مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۴۳. ملطی، عبدالرحمن، *التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع*، تحقیق محمد زینهم محمد عزب، قاهره، مکتبه المدبولی، طبعه الاولى، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. مونتگمری وات، ویلیام، *فلسفه و کلام اسلامی*، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۰.
۴۵. نجفی زنجانی، محمد، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
۴۶. نوبختی، حسن بن موسی، *فرق شیعه*، ترجمه و تعلیق محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۱.
۴۷. نیومن، آندره، *مدرسه قم و بغداد، (در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری)*، ترجمه سید صادق حسینی اشکوری، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۴.
۴۸. ولوی علی محمد، *دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی*، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۰.
۴۹. یورگنسن، ماریان، *لوئیز فیلیس، نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۹.
- مقالات**
۵۰. آقائوری، علی، «درآمدی بر شناخت مشهورترین آثار ملل و نحل و یژگیها و کاستیها»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، *مجله طلوع*، ش ۵، از ص ۱۶۶ - ۱۹۵، ۱۳۸۲.
۵۱. جعفریان، رسول، «گزیده کتابشناسی توصیفی فرق اسلامی»، *آینه پژوهش*، از ص ۹۵ تا ۱۰۲، ش ۱۳۶۹۱.
۵۲. جهانگیری، جهانگیر، ریگی زاده علی بندر، «جایگاه مفاهیم دو سو سوری - لکانی در نظریه لاکلاو و موف در باب گفتمان»، *مجله شناخت*، ش ۶۷ و ۲۶، ص ۶۹ تا ۹۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۵۳. حسینیان مقدم، حسین، «نقش نوبختیان در پیشبرد افکار شیعه»، *مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ش ۵، ص ۶۳ تا ۱۰۰، بهار ۱۳۸۴.
۵۴. حسینی زاده، سید محمدعلی، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *مجله علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۲۸، ص ۱۸۱ تا ۲۱۲، زمستان ۱۳۸۳.
۵۵. دانش پژوه، محمدتقی، «کتابشناسی فرق و ادیان»، *مجله فرهنگ ایران زمین*، ش ۱۲، از ص ۹۸ تا ۱۲۱، ۱۳۴۳.
۵۶. سلطانی، سید علی اصغر، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۲۸، ص ۱۵۳ - ۱۸۰، زمستان ۱۳۸۳.
۵۷. صابری حسین، «تأملی در حدیث هفتاد و سه ملت»، *مجله مشکوه*، ش ۷۵ - ۷۴، ص ۲۹ تا ۵۰، بهار و تابستان، ۱۳۸۱.
۵۸. صفری فروشانی، نعمت‌الله، «راهنمای مطالعات فرقه‌شناسی اسلامی»، *مجله مفت آسمان*، ش ۹ و ۱۰، ص ۱۲۱ تا ۱۵۰، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
۵۹. قادری عبدالواحد و سید هاشم آقاجری، «تحولات اندیشه سیاسی مسلمانان در دوره میانه اسلامی»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ششم ش ۲، ص ۶۷ تا ۱۰۶، ۱۳۹۳.

۹۰ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۱۰، تابستان ۹۸، ش ۳۵

۶۰. کسرائی، محمد سالار و علی پوزش شیرازی، «نظریه لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱۱، ص ۳۳۹ تا ۳۶۰، پاییز ۱۳۸۸.
۶۱. مقدمی، محمد تقی، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، ش دوم، ص ۱۲۴ - ۹۱، بهار ۱۳۹۰.
۶۲. میرموسوی، سید علی، «جایگاه و نقش اشعری در تأسیس کلام سیاسی اهل سنت»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، ش ۶۴، ص ۵۵ تا ۸۲، زمستان ۱۳۹۲.
۶۳. نجفیان، لیلا، «تاریخ‌نگاری شیعیان امامی در آغاز غیبت کبری (نمونه موردی تثبیت نظریه وجود امام زمان علیه السلام)»، مطالعات فرهنگی، ش ۲۷، ص ۸۵ تا ۱۰۸، بهار ۱۳۹۵.

